



## نهیضت مشروطیت، درس بزرگی از تاریخ

بسمه تعالی

نهیضت مشروطیت یکی از فرازهای بسیار مهم و تجربیات گرانقدر تاریخ معاصر ایران بحساب می آید نهضتی که با قیام و خروش توده های مسلمان و ستمدیده و با رهبری روحانیون متعهد و مبارز آغاز گشت و رزمیهای خودکامه را بزیر کشید و منافع دول استعماری را بحظر انداخت ولیکن در نهایت به سیری قهقرایی کشانده شد و حاکمیت استبداد و استعمار در شکل نوینش احیا گشت. بر همین اساس مروری بر نهیضت مشروطیت و بررسی انگیزه های آن و جداسازی اشتباهات و انحرافاتش از ملزومات و سرورث شرایط خاص انقلاب ماست چرا که باید از تاریخ درس آموخت تا تجربه های تلخ تاریخ تکرار نگردد.

### چگونگی نفوذ حاکمیت استعمار در ایران

استعمار در جریان تدریجی نفوذ حاکمیت کلامی خود در ایران، سه دوره مشخص را به ترتیب زیر طی کرده است:

۱- تلاش برای فراهم نمودن زمینه های نفوذی که از دوران صفویه آغاز و تا جنگهای ایران و روس که به انعقاد قرار دادهای تنگین ترکمنچای منجر شد ادامه داشت.

۲- دوران نفوذ استعمار و تلاش برای برداشتن گامهای اساسی تر جهت بدست گرفتن امور اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور از طریق نفوذ

در دربار و تطمیع رجال سیاسی و خریداری آنان و انعقاد قراردادهای فاجعه آمیز اقتصادی که می توان آنرا در مقطعی از جنگهای ایران و روس تا کودتای ۱۲۹۹ مشاهده نمود.

۳- دوران حاکمیت قطعی و کامل استعمار که بدنبال کودتای ۱۲۹۹ ایجاد شد تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

در هر کدام از این مقاطع تاریخ معاصر مردم مسلمان و ستمدیده ایران به مقاومت و مبارزه علیه این سیر حاکمیت استعماری پرداخته اما متأسفانه نهایتاً با شکست مواجه گشته و نتوانستند آرمانهای اسلامی و مذهبی خود را در عرصه کشور جاری سازند.

نهیضت مشروطیت در دوران نفوذ استعمار در ایران نضج گرفت و ضربات سختی نیز به آن وارد آورد. قدرت مسلط استعماری آن زمان در ایران، دولت روسیه بود و انگلستان نیز برای تسلط هر چه بیشتر با این کشور رقابت می کرد.

روحیه ناشی از شکست قوای ایران از روش و انعقاد قراردادهای تنگین گلستان و ترکمنچای و افزایش فساد و لاپالایی گری و خیانت در امور اجرایی مملکت و همچنین گسترش و ازدیاد روز افزون فقر و بینوایی مردم و در عین حال واگذاری منابع حیاتی کشور به دول استعماری، شمای کلی دوران قبل از مشروطیت را نشان می دهد.

سران فاسد حاکم برجامعه درقبال دریافت

کوچکترین هدایا و یا بوجود آوردن زمینه های عیاشی و خوشگذرانی شان، سخاوتمندانه منابع حیاتی کشور را تقدیم استعمارگران می نمودند و اینها همه در شرایطی بود که اکثریت ۹ تا ۱۰ میلیون نفر جمعیت آن روز ایران، در سخت ترین شرایط ممکن و زیر بار ظلم و ستم و خودکامگی ایادی رژیم استبدادی زندگی می کردند. قراردادهای داری، منبع عظیم نفت را به انگلستان واگذار نموده بود، گمرکات ایران نیز در اختیار هیئت بلژیکی تحت سرپرستی «نوز» که اجحاف و رشوه خوارشان زیانزد عام بود قرار داشت. روسها نیز ارتش را بدست داشتند و شیلات را نیز بخود اختصاص داده بودند. هجوم قدرتهای خارجی در ایران غارت اموال و دارائیهای مردم ستمدیده مان، به نحوی بود که برای تحت تاثیر قراردادن دربار و حکام سرسپرده، بایکدیگر رقابت می کردند و هر کدام برای خود اهرمهای فشاری در حواشی دربار داشتند به محض پرداخت امتیازی، یک کشور، فوراً دست به کار شده و سهم خود را بگیرند. کار رقابت دول بزرگ بجائی انجامیده بود که چندین بار علیرغم اختلافاتی که با یکدیگر داشتند بر سر تقسیم ایران توافق کردند و موافقتنامه های رسمی نیز نوشتند و گاهی آنها را به تأیید حکام وقت نیز رساندند.

در زمینه آگاهی اجتماعی و روحیه مبارزاتی مردم، به علت تلاش وسیع و چشمگیر سیدجمال الدین اسدآبادی و جریان نهیضت تنباکو به



نی نمودند. فقط هنگامی که «شیخ فضل الله نوری» از صف مشروطه طلبان خارج گشت و سیر حرکتی «مشروطه» که عاقبتش را در کنترل انگلستان و مثنی افراد بی دین و از خدا بی خبر می دهد، اعتراض نموده صحبت از «مشروع» به میان آمد و منظور از آن نیز چیزی به جز حاکمیت قوانین شرعی و اسلام بر جامعه نبود. درحقیقت طرح مشروطه مشروع به منزله استعمار انگلستان بر عرصه سیاسی اجتماعی و اقتصادی ایران فراهم گردانید و درحقیقت نتیجه مشروطیت عملاً همان گشت که شیخ فضل الله نوری آن را دردیگ پولوی سفارت انگلیس که روز تحسن به متحصنین می داد دیده بود.

روشنفکران غریزه با توجه به تحصیلات و آگاهی سیاسی، اجتماعی شان و آشنائی به قوانین و مقررات سایر کشورها، از نقاط ضعف سایر جناحها سوءاستفاده می نمودند و از طریق مجلس قدرت را قبضه کردند. نگاهی بر فهرست «دوله‌ها و سلطنت» ها در مجالس اولیه مشروطیت که سیر صعودی داشت موبد این مطلب می باشد «تقی زاده» روحانی نمائی که به تدریج شیفته نظام غربی شده بود و طی مسافرتهای مختلف به کشورهای اروپائی و آسیائی، به اصلاح جامعه ایرانی از طریق پیاده کردن دقیق الگوی غرب در ایران یقین یافت، پس از بیروزی مشروطیت در اس جریان فکری و سیاسی

بقیه در صفحه ۵۰

و نبض مبارزه مردمی را در دست داشتند عمدتاً بر محدود کردن نظام حاکم و رعایت موازین اسلامی توسط آنان اعتقاد داشتند و برقراری مجلس را گام مهمی در این امر تلقی می کردند. لذا در بین خواستههایی که توسط مردم و علمای تحسن کننده در حرم حضرت عبدالعظیم عنوان شد. تاسیس عدالتخانه «اجرای قوانین اسلام» از مهمترین مواردی بود که مطرح گشت. علمای رهبری کننده نهضت با مشروطه بعنوان نظامی که جلوی ظلم و جور حکام را بگیرد و قدرت آنها را توسط مجلس به حداقل برساند، موافق بودند ولی طرح مشخص برای استقرار حکومت اسلامی نداشتند و آن را عنوان نیز

### در جریان مبارزه قاطعانه روحانین

علیه رژیم حاکم، توده های مردم به

رهبری روحانیون متعهد حضور

داشتند هرگونه زجر و شکنجه

و محرومیت و تبعید و شهادت را

متحمل گشتند تا اینکه کمر استبداد را

شکستند و مشروطه را محقق ساختند.

و رهبری آیت الله شیرازی شرایط نسبتاً مناسبی بوجود آمده بود و مردم آمادگی حرکت سیاسی و خروش علیه دستگاه مستبد حاکم را داشتند. هرچند جنبش تنباکو به منزله اولین تجربه مبارزاتی عام و گسترده علیه یک قرارداد استعماری پس از مدتهای طولانی رخوت و سستی حاکم بر جامعه ما بوده و در نهایت نیز به سبب ضعفهایی که وجود داشت نتوانست به حرکتی پی گیر و مستمر علیه رژیم خودکامه و مستبد قاجاری مبدل گردد ولیکن در افزایش آگاهیهای اسلامی و سیاسی مردم بسیار موثر بود. حرکت روشنگرانه سیدجمال الدین و طرح مسائل اسلامی و رسالت و وظایف مسلمانان بخصوص علما در آشنا کردن آنها به شرایط و موقعیت حساسی که بر جامعه اسلامی حکمفرما بود، تاثیر به سزایی در دگرگونی و تحول فکری مردم بجای گذاشت. البته آگاهی عمومی مردم درباره مشروطیت و سیستم صحیح اجتماعی و نحوه حکومت بسیار پائین بود همه می دانستند که باید علیه ظلم و جور درباریان و تسلط اجنبی پرشونات کشور مبارزه نموده ولیکن در مورد اینکه چه نظامی و با چه خصوصیات باید جایگزین گردد طرح روشنی وجود نداشت. این مسئله تا حدی در بین رهبران مذهبی و روشنفکران نیز مطرح بود. هرکدام از این دو قشر برداشت متفاوتی نسبت به مشروطیت و اصولاً سیستم حکومتی مورد نظرشان داشتند. اکثر علما و روحانیون که در اس نهضت بودند

وابسته به غرب قرار گرفت و جایگاه خاصی در میان باصطلاح روشنفکران و آزادیخواهان زمان پیدا کرد. او با استفاده از عدم آشنائی اکثر نمایندگان مجلس اول به قوانین اجتماعی و حقوقی و به هم ریختگی نظام مجلس به علت نداشتن نظامنامه داخلی و قانون اساسی، طی نطق معروفی، تنها راه اداره کشور را اقتباس دقیق ویی کم و کاست از نظام غربی معرفی نمود قسمتهائی از نطق این سرکرده لیبرالیسم در ایران و روشنفکر خود باخته غربی به دلیل اهمیت آورده می شود:

«مجلس ما خیلی ناقص است و بدتر آن که در راه ترقی و تکمیل هم نیست چه اگر دول با ترقی و تنزل آنان را مقیاس قرار داده و تقسیماتی با درجات اعلی و درجات اسفل ثبت کنیم چون از صفر بالا رویم پله پله از درجات ترقی صعود کنیم می رسیم به دول منظم قانونی چون روس و عثمانی و چون از آن بالا رویم به دول مشروطه اتریش و آلمان و انگلیس و از آن بالاتر به دولت فرانسه و سویس و آمریکا می رسیم که رفته رفته نواقص کمتر می شود و اغلب اصلاح شده و هم آن درجات اعلی باز می بینیم که نسبت به خودشان نواقصی دارند که ایشان مشغول اصلاح آن هستند... این مشروطیت را در جاهای دیگر دنیا بازحاتم چندین ساله اختراع کرده اند چون هر چیز را بخواهیم از ماخذش برداریم... در این مورد عدم به از وجود ناقص است.»

سلاخی بود برای مقابله با مشروطیتی که دچار انحراف شده بود و در نهایت به ایزاری کار استعمارگران و وسیله فریب ملت تبدیل شده بود. از جانب دیگر، جریان روشنفکری متأثر از فرهنگ غربی نیز تحت لوای «مشروطه خواهی» با نظام حاکم به مخالفت برخاسته بودند. این

روشنفکران که اکثرا مدت مدیدی را در کشورهای اروپائی برای تحصیل گذرانده بودند، شدیداً تحت تاثیر نظامات غربی قرار گرفته و اعتقاد عمیقی به سیستم حکومتی آنها و روش پیشرفتشان یافته بودند. این جریان، تمدن غربی را مدیون جدایی دین از سیاست دانسته و خواستار دمکراسی به سبک غرب بوده و بر تشکیل مجلس بعنوان مهمترین رکن دمکراسی تکیه میکرد. روشنفکران غربزده که از این پس در طول تاریخ معاصر ایران بعنوان یک جریان خطرناک مطرح گشتند، سعی بسیار داشتند با دقت تمام هر آنچه را که در غرب دیده بودند، بدون هیچ کم و کاستی ویی توجه به شرایط فرهنگی و مذهبی و ملی و اقلیمی در ایران پیاده نمایند. اشاعه فکر مشروطه خواهی، آزادیخواهی، نظام و سازماندهی خاص نظام سرمایه داری سیستم پارلمانی غربی وجه اصلی تلاش و فعالیت روشنفکران خود باخته و از خود بیگانه گشته بود و از آنجا که نظام حاکم بر ایران تا آن زمان، مبتنی بر استبداد فردی و روابط قنودالی بود، در موضع مخالف آن قرار گرفتند.

البته در جریان مبارزه قاطعانه و خونین علیه رژیم حاکم، توده های مردم به رهبری روحانیون متعهد حضور داشتند هرگونه زجر و شکنجه و محرومیت و تبعید و شهادت را متحمل گشتند تا اینکه کمر استبداد را شکستند و مشروطه را محقق ساختند ولیکن این روشنفکران غربزده از همان آغاز نهضت، راه خود را با تحصن در سفارت انگلیس از علما و مردم مسلمانی که در قم و حرم عبدالعظیم بست نشسته بودند جدا کردند و نتوانستند در بین مردم پایگاهی ایجاد نمایند و صرفاً در محدوده همان طبقات اشرافی و مقلدین غرب، به تبلیغ و نشر دیده ها و شنیده ها و خواننده های خود پرداختند و تنها پس از

پیروزی مشروطیت بود که سر و کله آنها برای بدست گرفتن مناسب و راهیابی، مجلس و شرکت در قانونگذاری پیدا شد.

نفوذ و قدرت یابی این جناح که با رنگ و بوی آزادیخواهی و ترقیخواهی به میزان آمده بود، زمینه تسلط نفوذ مرموزانه استعمار انگلستان از طریق همین روشنفکران غربزده در ارکان اساسی نظام مشروطیت، نظام دلخواه آنان را ایجاد نمود و روابط استعماری و استبدادی و استثمار را در شکل نوینی متناسب با شرایط زمانی و مقتضیات دنیای رو به رشد سرمایه داری غربی در ایران تحکیم بخشید.

بدیهی است که این نفوذ و بهره برداری موزیانه از حرکت مردمی، بیانگر ابداع حرکت توسط استعمار نمی باشد و لذا در تحلیل نهضت مشروطیت به اصالت حرکت اعتراض آمیز مردم و روحانیون و علمای ایران و نجف باید تکیه نمود در عین حالیکه نقاط ضعف و سستی های حاکم بر نهضت که مانع از به ثمر رسیدن خون شهدا و آرمان آنها شد نیز نباید به فراموشی سپرد. تعهد عمیق علما و مردم نسبت به اسلام، در مقاطع بعدی حرکتها وسیع و خونین دیگری مانند حرکت جنگل بهربری میرزا کوچک خان، قیام تبریز بهربری خیابانی، حرکت تاریخی مدرس را علیه اشکال نوین استعمار آفرید و راه شهیدان نهضت مشروطیت را تداوم بخشید.

## مسئله معاد .....

رفاقت ها دارد، دوستها دارد - دشمنها دارد و تفصیلاتی در آنجا دارد.

«نفخت فیه من روحی»

حقیقت روح را دوستان تا بحال کسی پیدا نکرده و دنیای متمدن محقق و پژوهشگری که ادعا می کند ما پروتوس را می توانیم تحقیق کنیم و پیدا کنیم هم در این دنیا در برابر کشف این حقیقت موجود اقرار دارند که عاجزند ما می دانیم یک موجودی است با این بدن ملموس ما با این موجود خارجی آن موجود گاهی تماس می گیرد و گاهی تماسش را قطع میکند هر وقت تماس گرفت، یاخته های این بدن حرکت می کند یاخته این بدن شروع به فعالیت می کند و اگر آن موجود از این بدن دست کشید حتی آن یاخته ها و سلولهای بدن هم از بین می رود به یک آدم زنده ای که دارد حرف می زند تمام یاخته ها زنده است برق بهش وصل می کنند می میرد پس از مرگش دیگر هیچ حرکتی ندارد ادامه دارد

جهاد

## سربداران شاهد .....

هرکجا بهشت که می خواهی برو بگرد، برو سیر کن، همه بهشت هم در اختیار تو برو هرکجا می خواهی بگرد و تماشا کن، هر نقطه ای هم می خواهی برو بشین، (این از من است، از حدیث نیست، شاید هم نتیجه این باشد) خصلت هفتم: آن بنظر فی وجه ...، جای این بود که صداها به تکبیر بلند شده باشد نگاهش بیفتد به وجه خدا. من کان یرجو لقاء ربه فلیصل عملاً صالحاً و لا یشرك بعبادة ربه احداً، شهید بواسطه اینکه خونت را در راه خدا دای لطف خدا را بین، وجه خدا را بین، عنایت خدا را بین، پاداشی را که خدا به تو میدهد بین، سپس بعدش: و انما لراحة لکل نبی و شهید، یعنی هیچ چیز برای

نبی و شهید خوشتر از این نیست که وجه خدا را ببیند، لطف خدا را ببیند، عنایت خدا را ببیند، مشمول الطاف علیه الهیه بشود.

